مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی یازدهم، پاییز و زمستان۱۳۸۷

دکتر جعفر جوان (نویسنده اصلی)
دکتر مجید یاسوری
دکتر محمد رحیم رهنما
نسرین احمدیان شالچی

بررسی وضعیّت اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی

(مطالعه‌ی موردی : منظومه‌ی روستایی مشهدقلی)

چکیده

زنان سرپرست خانوار جزو اقشار آسیب پذیر جامعه اند . شرایط اقتصادی این گروه از زنان، از مهم ترین عوامل آسیب پذیری آنان به شمار می رود . مقاله‌ی حاضر با هدف شناخت و ارزشیابی وضعیّت اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی تهیه شده است . روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و جامعه‌ی آماری این تحقیق را ۱۷۹ زن سرپرست خانوار ساکن درآبادی‌های منظومه‌ی روستایی مشهد قلی در شمال غرب مشهد تشکیل می‌دهند . نتایج تحقیق نشان می دهد که درآمد زنان سرپرست خانوار به دلیل اشتغال آنان در مشاغل بی ثبات و کم درآمد و هم چنین تعداد اندک شاغلان خانوار کم است .

کلید واژه ها: زنان سرپرست خانوار / آسیب پذیری / منظومه‌ی روستایی مشهدقلی / مشهد.

درآمد

در سده‌ی اخیر، ادغام اقتصاد ایران دربازار جهانی تحوّلات زیادی به همراه داشت،که مهم ترین این تحوّلات بازماندن کشور از توسعه‌ی درون زا و پذیرا شدن دگرگونی های ناشی از توسعه‌ی برون زاست. حاصل توسعه‌ی اقتصادی برون زا الگوی شهرنشینی شتابان ، تمرکز فضایی شدید و ناهمگون و قطبی شدن شهرها ، گسترش آسیب های اجتماعی و رشد شمار گروه های آسیب پذیر می باشد .

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۱۱ تاریخ تصویب:۸۷/۶/۱۳

در میان اقشار مختلف مردم ، گروه‌های آسیب‌پذیر بیش از دیگران در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می گیرند . زنان سرپرست خانوار به دلیل شرایط ویژه ای که دارند، یکی از اقشار آسیب پذیرجامعه به حساب می آیند. شرایطی که سبب می‌شود این گروه از زنان آسیب‌پذیر به نظررسند، عبارت‌اند از:

- پایین بودن سطح سواد در میان زنان سرپرست خانوار و فرزندان آن ها؛
- نبود فرصت های شغلی و مشاغل مناسب؛
- دستمزدهای پایین نسبت به مردان در فرصت های شغلی برابر؛
- درصد بالای افت تحصیلی در میان فرزندان؛
- بالا بودن میزان بزهکاری در میان نوجوانان؛
- فقر زمانی برای زنان سرپرست خانوار شاغل تمام وقت (مطیع ، ۱۳۷۸: ۵).

هم چنین پژوهش‌های متعدد نشان دادند که نقش دوگانه زنان در مدیریت امورخانه و تأمین معاش خانواده و تلاش آنان جهت رفع نیاز های مادی و معنوی خانواده، فرصتی برای استراحت و آرامش زنان باقی نمی گذارد (chant , 1996 :298; Fuwa , 2000 :1517) .

تاکانه نیز درپژوهشی پیرامون زنان سرپرست خانوار در مالاوی به این نتیجه رسیده که زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان سرپرست خانوار از نظر نیروی کار ، اندازه مزرعه و میزان تولید وضعیّت نا مطلوبی دارند (Takane, 2007).

یکی از عواملی که سبب شده زنان سرپرست خانوار در زمره گروه‌های آسیب‌پذیر قرار گیرند، شرایط نامناسب اقتصادی آنان است. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف جهان نشان داده است که نداشتن فرصت های شغلی ، اشتغال دربخش مشاغل غیر رسمی و با دستمزد پایین و نداشتن در آمد مستمر، زنان سرپرست خانوار را با فقر روبرو کرده است (chant,2003:8). بووینیک با توجه به مشکلات شغلی و کمبود درآمد و آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار، آن‌ها را در زمره اقشار آسیب پذیردانسته است(Buvinic , 1995 :3) . اما پژوهش های گوفر در کلمبیا نشان می دهدکه همه زنان سرپرست خانوار فقیر نیستند (Gafer , 1998 :605) ، و مطالعات گونزالس نشان می دهد که میان سرپرست خانواری زنان وفقر ارتباط سیستماتیکی وجود ندارد (Gonzalez de la Rocha and Grinspun , 2001 :61).

در ایران نیزبا توجه به این که در سال ۱۳۸۵ از مجموع خانوارهای کشور ۹/۴ در صد را زنان مدیریت و سرپرستی می کردند (مرکز آمار ایران ، ۱۳۸۶) ، تحقیقات و پژوهش هایی در زمینه‌ی زنان سرپرست خانوار انجام شده است ، ناهید مطیع (۱۳۷۸) ، مینو قدرجهرمی(۱۳۷۲) ، فریده سرحدی زاده (۱۳۷۶) ، نارسیس امین رشتی (۱۳۷۹) ، زهری خسروی (۱۳۸۰) ، افسانه کمالی (۱۳۸۲) ، ستاره فروزان (۱۳۸۲) ، مهشید نوری (۱۳۸۲) ، کاظم قجاوند (۱۳۸۲) ، ژاله شادی طلب (۱۳۸۳) ، شهناز طباطبایی یحیی آبادی (۱۳۸۴) ،تحقیقات سودمندی در زمینه‌ی زنان سرپرست خانوار انجام داده اند .

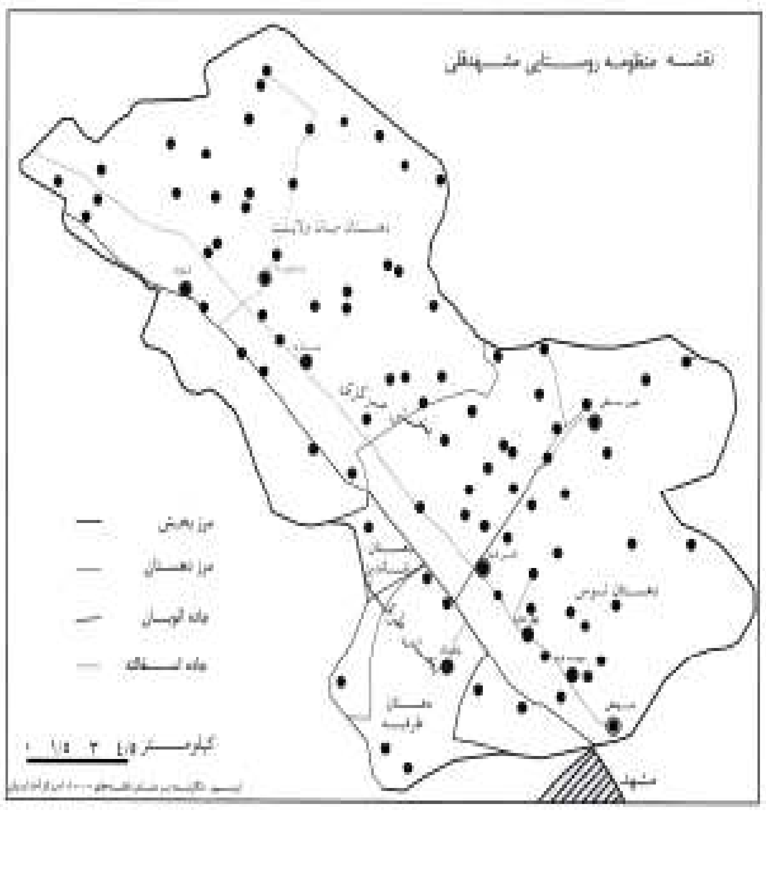
نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز مؤیّد وضعیّت اقتصادی نامطلوب زنان سرپرست خانوار است (شادی طلب ،۱۳۸۴: ۵۷) . در میان زنان سرپرست خانوار وضعیّت اقتصادی زنان روستایی بدتر از زنان شهری است، به گونه ای که در سال ۱۳۸۰ میزان فقر مطلق در میان زنان سرپرست خانوار شهری ۱۵ درصد و در میان زنان سرپرست خانوار روستایی ۱۹ درصد بوده است (شادی طلب ،۱۳۸۳: ۶۰) . با توجه به دیدگاه های مزبور، این نوشتار به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار آبادی های حاشیه‌ی شهر مشهد چگونه است و این شرایط چه نقشی در آسیب پذیری آنان دارد ؟

ناحیه‌ی مورد مطالعه

ناحیه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش منظومه‌ی روستایی مشهد قلی واقع در شمال غرب است . این ناحیه در طرح سطح بندی خدمات به عنوان یکی از منظومه‌های روستایی معرفی شده است (شایان ، ۱۳۸۲). منظومه مشهد قلی ۹۴ مرکز جمعیتی را در بر می گیرد که در دهستان های توس و میان ولایت از بخش مرکزی و دو دهستان شاندیز و طرقبه از بخش طرقبه شهرستان مشهد قرار دارند . قلمرو منظومه‌ی مشهد قلی بخشی از حاشیه‌ی شهر مشهد است که در سال‌های اخیر گسترش و رشد بسیاری یافته است ، به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۱ تاکنون بیش‌ترین گسترش حاشیه‌ی شهر در این ناحیه رخ داده است . در سال۱۳۸۵ جمعیّت این منظومه ۸۶۲۶۴ تن است که تشکیل ۲۱۱۵۹ خانوار را می دهند .

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روش های تحقیق توصیفی –تحلیلی استفاده شده است . برای تهیه‌ی اطلاعات و داده های این پژوهش از مطالعات کتابخانه ای ، اینترنتی و پژوهش‌های میدانی استفاده شده است. در پژوهش های میدانی فنون مختلف ارزشیابی مشارکت روستایی ، تکمیل پرسش نامه و مصاحبه های فردی و گروهی و مشاهده به کار گرفته شده است.



جامعه‌ی آماری پژوهش مراکـز جمعیّتـی منظومـه روسـتایی مـشهد قلـی و زنـان سرپرسـت خـانوار ایـن آبادی هاست . با اسـتفاده از فرمـول کـوکران تعـداد روسـتاهای نمونـه ۱۶ آبـادی و تعـداد زنـان سرپرسـت خانوار نمونه ۱۷۹ تن محاسبه گردید .

نمونه گیری با روش احتمالی و به دو شیوه‌ی تصادفی ساده و منظم در دو مرحله انجـام شـده اسـت . در مرحله‌ی نخست تعداد ۱۶ روسـتای نمونـه انتخـاب شـدند و در مرحلـه‌ی دوم تعـداد ۱۷۹ زن نمونـه در بـین روستاهای نمونه مشخص گردیدند .

توصیف آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسش نامه ها با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است.

یافته های تحقیق

وضعیت فعالیت

در سال ۱۳۸۵ از مجموع زنان نمونه ۷۸/۲ درصد کار می‌کردند و ۲۱/۸ درصد غیر فعّال بودنـد . ۸۱/۴ درصدزنان شاغل کم تر از پنجاه سال سن دارند. نیاز اقتصادی و مسؤولیّت اداره زندگی خود و افـراد تحـت حمایت ، اشتغال آنان را ضروری ساخته است .

از میان زنانی که کار نمی کنند ۷۲/۹ درصد بیش از شصت سـال سـن دارنـد . کهولـت سـن و نـاتوانی جسمی در این گروه قدرت انجام فعالیّت های درآمدزا را از آنان سلب کرده است . از جمع زنان غیـر فعـال فقط یک تن دارای درآمد بدون کار بوده و بقیه با بهره‌مندی از کمک هـای حمـایتی و یـا درآمـد فرزنـدان زندگی خود را می گذرانند.

نوع فعالیت

در میان زنان سرپرست خانوار نمونه ۴۵/۸ درصد در بخش کـشاورزی ، ۲/۸ درصـد در بخـش صـنعت و ۵۱/۴ درصد در بخش خدمات فعالیت می‌کنند (جدول ۱) .

جدول۱ : توزیع زنان سرپرست خانوار شاغل در سه گروه عمده فعالیّت اقتصادی

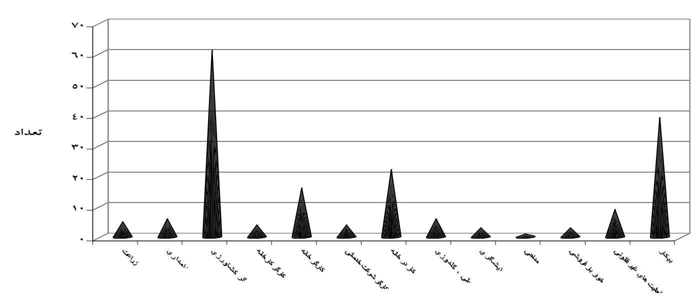
نوع فعالیّت	تعداد	درصد
کشاورزی	۶۴	۴۵/۸
صنعت	۴	۲/۸
خدمات	۷۲	۵۱/۴
جمع	۱۴۰	۱۰۰

منبع : نگارنده ، مطالعات میدانی ، ۱۳۸۵

در میان زنان شاغل، زنانی که بـه عنـوان کـارگر کـشاورزی از طریـق وجـین کـردن ، درو ، جمـع آوری محصولات و ..کشاورزان را یاری می‌دهند ، بیش ترین تعداد را دارنـد . زنـانی کـه در خانـه بـا انجام کارهایی همچون سبزی پاک کردن ، تهیـه‌ی ترشـی ، پـاک کـردن حبوبـات و..تولیـد در آمـد می کنند و هم چنین زنانی که به عنوان خدمتکار در منازل شهری فعالیّت می کنند ، ۲۷/۱ درصد زنـان شاغل را تشکیل می دهند . به عبارت دیگر ۶۵ درصد زنان کارکن از طریق فعالیّـت هـای بـی ثبـات ، موقّتی و با درآمد اندک ، کسب درآمد می کنند .

جدول۲ نشان می دهد که از جمع زنان شاغل، فقـط ۷/۹ درصـد کـشاورز و دامدارانـد. ایـن زنـان ضمن آن که به همراه افراد خـانواده امـور مختلـف تولیـدی را انجـام مـی دهنـد ، وظیفـه‌ی نظـارت و مدیریت بر انجام کارها را نیز برعهده دارند .

نمودار۱ : توزیع شغلی زنان سرپرست خانوار



جدول ۲ : توزیع زنان سرپرست خانوار به تفکیک نوع شغل

شغل	تعداد	درصد
زراعت	۵	۳/۶
دامداری	۶	۴/۳
کارگر کشاورزی	۵۳	۳۷/۹
کارگر کارخانه	۴	۲/۹
خدمتکار	۱۶	۱۱/۴
کارگر شرکت خدماتی	۴	۲/۹
کار در خانه	۲۲	۱۵/۷
خیاطی، گلدوزی	۶	۴/۳
آرایشگری	۳	۲/۱
مداحی	۱	۰/۷
خوار بار فروشی	۳	۲/۱
فعالیت های غیر قانونی	۱۷	۱۲/۱
سایر	۱۴۰	۱۰۰
جمع	۵	۳/۶

منبع : نگارنده ، مطالعات میدانی ، ۱۳۸۵

برای سنجش تفاوت کارکرد زنان سرپرست خانوار کشاورز با مردان کشاورز ، هزینه‌ی تولید و درآمد خالص زنان نمونه با جامعه‌ی شاهد متشکّل از مردان کشاورز مقایسه شد . یافته های پژوهش (جدول ۳) نشان داد که درآمد خالص محصولات ، بین زنان نمونه وجامعه‌ی مردان کشاورز تفاوت زیادی ندارد . برای آزمون این ادعا ، آزمون t مستقل به کار برده شد . میزان t محاسبه شده برای سه محصول عمده تولیدی شامل گندم ، برابر ۱/۳۱۲ ، گوجه فرنگی ، برابر ۱/۰۹۵ و پیاز برابر ۱/۰۲۳- می‌باشد ، که از میزان t در سطح آلفا ۰/۰۵ با ۴ درجه آزادی ، برابر ۲/۱۳۲ کوچک تر هستند . بنابراین

تأیید می شود که درآمد خالص تولیدات زراعی در میـان زنـان سرپرسـت خـانوار نمونـه و مـردان کـشاورز تفاوت چندانی ندارد و میزان درآمد زنان سرپرست خانوار نمونه از مردان کـشاورز در محـصولات گنـدم و گوجه فرنکی اندکی کم تر و در محصول پیاز کمی بیش تر است .

جدول ۳: درآمد خالص محصولات زراعی درزنان نمونه و جامعه شاهد (درهکتاربه هزار تومان)

ردیف	گندم				گوجه فرنگی				پیاز			
	زنان نمونه		جامعه شاهد		زنان نمونه		جامعه شاهد		زنان نمونه		جامعه شاهد	
	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص	هزینه	درآمد خالص
۱	۹۰	۶۶۰	۹۲	۶۶۸	۴۳۰	۲۱۷۰	۴۲۰	۱۹۸۰	۴۳۰	۱۸۷۰	۴۱۰	۱۹۹۰
۲	۸۸	۶۷۸	۸۷	۶۷۳	۴۱۰	۲۰۹۰	۴۰۰	۲۱۰۰	۴۱۰	۱۹۹۰	۴۰۰	۲۰۰۰
۳	۹۰	۶۹۰	۹۰	۶۸۰	۴۰۰	۲۰۰۰	۳۹۰	۱۹۱۰	۴۰۰	۲۱۰۰	۳۹۰	۲۱۱۰
۴	۸۸	۶۹۸	۸۵	۶۹۵	۴۱۰	۲۰۹۰	۴۱۰	۲۰۹۰	۴۲۰	۱۹۸۰	۴۱۰	۱۸۹۰
۵	۹۰	۷۰۰	۹۰	۶۸۰	۴۲۰	۱۸۸۰	۳۸۰	۱۹۲۰	۴۲۰	۱۸۸۰	۳۹۰	۲۱۱۰

منبع : نگارنده ، مطا لعات میدانی ، ۱۳۸۵

در سایر ابعاد تولید محصولات زراعی و هـم چـنین دامـداری، تفـاوت آشـکاری میـان زنـان سرپرسـت خانوار نمونه و مردان جامعه‌ی شاهد وجود ندارد ، به غیر از این که مردان مالـک نهـاده هـای تولیدانـد، کـه از میزان t در سطح آلفا ۰/۰۵ با ۴ درجه آزادی ، برابر ۲/۱۳۲ کوچک تر هـستند . بنـابراین تأییـد مـی شـود که درآمد خالص تولیدات زراعی در میان زنان سرپرست خانوار نمونـه و مـردان کـشاورز تفـاوت چنـدانی ندارد و میزان درآمد زنان سرپرست خانوار نمونه از مردان کشاورز در محـصولات گنـدم و گوجـه فرنکـی اندکی کم تر و در محصول پیاز کمی بیش تر است .

عدم دسترسی یا دسترسی اندک زنان سرپرست خانوار روسـتایی بـه منـابع تولیـدی، یکـی از یافتـه هـای پژوهش های انجام شده در کشورهای دیگر نیز هست. نتایج پژوهشی در کشور زامبیا نشان می دهد که زنان سرپرست خانوار در این کشور از دسترسی به منابع تولیدی محـروم انـد(horrell and krishan,2006:18).

هم چنین اطلاعات موجود پیرامون مزارع تحت مدیریت و سرپرستی زنان در هشت کشور در حال توسعه، نشان می دهد که در کشور مصر ۲۸/۱ درصد و در کشور سنگال ۲/۱ در صد مزارع توسط زنان سرپرست خانوار اداره می‌شود. این زنان عموماً مزارع کوچک را اداره می کنند(جهاد، ۵۲:۱۳۷۳).در ایران نیز بر اساس سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۸۲ در ناحیه‌ی مورد مطالعه فقط ۱/۸درصد ودر آبادی‌های نمونه فقط ۲/۲ در صد از بهره برداری های کشاورزی را زنا ن مدیریت می کنند و همه آنان نیز زنان سرپرست خانوار نیستند (مرکز آمار ایران ، ۱۳۸۲) .

منابع درآمد

درآمد زنان سرپرست خانوار از طریق اشتغال خود، اشتغال فرزندان ، منابع حمایتی و یا ترکیبی از آنها تأمین می شود .

در میان زنان سرپرست خانوار نمونه ۴۳/۶ درصد از خانوارها فقط یک منبع درآمدی دارند که شامل اشتغال زنان در ۲۵/۱ درصد خانوارها، کار فرزندان در ۲/۸ درصد خانوارها و منابع حمایتی در ۱۶/۲ درصد خانوارهاست .

جدول ۴ نشان می‌دهد که ۵۱/۶ درصد زنان نمونه دو منبع درآمدی دارند، در حالی که فقط ۴/۵ درصد آنان از هر سه منبع در آمدی برخوردارند .

از کل خانوارهای نمونه ۱۶/۲ درصد ، بدون فرد کارکن هستند. این خانوارها ، زنان سالخورده ای هستند که به تنهایی زندگی می کنند واز طریق کمک های حمایتی نیازهای خود را رفع می کنند . در سایرخانوارها، یک تا ۵ تن مشغول به کارند (نمودار ۲) .

تعداد شاغلان

مشاهده می شود ۴۰/۸ درصد خانوارهای زنان سرپرست خانوار فقط یک تن شاغل دارند . با افزایش تعداد شاغلان از شمارخانواده ها کاسته می شود ، به گونه ای که فقط در ۱۴/۵ درصد خانوارها بیش از دو تن شاغل وجود دارد .

جدول ٤: توزیع زنان سرپرست خانوار به تفکیک منابع درآمد

منابع درآمد	تعداد	درصد
اشتغال زنان	۴۵	۲۵/۱
اشتغال فرزندان	۵	۲/۸
منابع حمایتی	۲۹	۱۶/۲
اشتغال زنان و فرزندان	۶۹	۳۸/۶
اشتغال زنان و منابع حمایتی	۲۳	۱۲/۸
اشتغال زنان، فرزندان ومنابع حمایتی	۸	۴/۵
جمع	۱۷۹	۱۰۰

منبع: نگارنده، مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

از جمع ۷۳ خانواری که یک تن شاغل دارند، در پنج خانوار فرزندان نان آور خانواده اند و در ۶۸ خانوار دیگر فقط زنان فعالیت درآمدزا دارند، هرچند ۲۳ تن آن‌ها از کمک های حمایتی نیز برخوردارند.

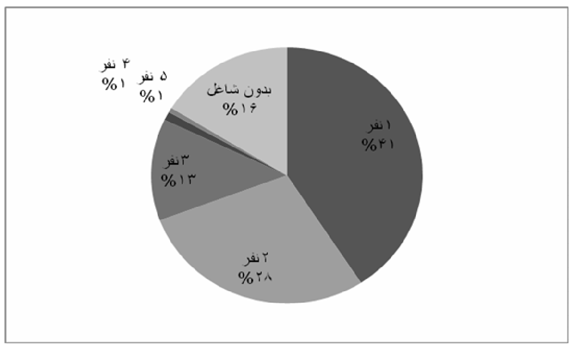
اگر بدانیم که از جمع خانوارهای دارای یک تن شاغل، ۸۲/۲ درصد خانوار را خانواده های سه نفره و بیش‌تر تشکیل می دهند، آن گاه مشخص می شود که زنان سرپرست خانوار با توجه به سطح سواد پایین، نداشتن مهارت های شغلی و کمبود منابع درآمدی با چه مشکلات روبرو هستند. این وضعیّت میزان آسیب پذیری آنان را افزایش داده و گاه آن ها را وادار به انجام کارهای غیر اخلاقی و غیر قانونی می کند، هم چنان که ۹/۴ درصد اززنان نمونه با انجام فعالیّت های غیر قانونی کسب درآمد می کنند.

میزان درآمد

کار زنان و فرزندان و کمک های حمایتی برای خانواده های زنان سرپرست خانوار ایجاد درآمد می کند. در برخی از خانوارها یکی از این منابع سه گانه و در بعضی دیگر ترکیبی از آن ها، درآمد کل خانواده را فراهم می کند و براساس این که هر خانوار از چند منبع درآمدی برخوردار باشد، میزان درآمد آن ها تفاوت می کند (جدول ۵).

در جدول ۵ مشخص است که درآمد خانوارها از ۱۵ تا ۲۲۰ هزار تومان تفاوت می کند و کم ترین متوسط درآمد متعلّق به خانواده هایی است که تنها منبع درآمد آن ها کمک های حمایتی است و بیش ترین متوسط درآمد با ۱۲۵ هزار تومان به خانوارهای تعلّق دارد که از هر سه منبع درآمدی برخوردارند ، هر چند تعداد آنان اندک است .

نمودار ۲ : خانوارهای زنان سرپرست خانوار به تفکیک تعداد شاغلان



جدول ۵ : میزان کل درآمد خانوارهای زنان سرپرست خانوار به تفکیک منبع درآمد (هزارتومان)

منبع درآمد	تعداد خانوار	درآمد		
		حداقل	حداکثر	متوسط
کار زنان	۴۴	۱۵	۱۰۰	۵۴
کار فرزندان	۵	۴۰	۱۰۰	۷۵
کمک های حمایتی	۲۹	۱۵	۱۰۰	۳۰
کار زنان و فرزندان	۶۵	۵۰	۲۰۰	۱۰۰
کار زنان و منابع حمایتی	۲۳	۲۵	۹۰	۶۴
کار فرزندان و منابع حمایتی	۵	۵۵	۹۰	۶۸
کار زنان و فرزندان و منابع حمایتی	۸	۹۰	۲۲۰	۱۲۵
جمع	۱۷۹	۱۵	۲۲۰	۷۲

منبع : نگارنده ، مطالعات میدانی ،۱۳۸۵

اگر خانوارهای نمونه با توجه به کل درآمد خانوار طبقه بندی شوند ، مشاهده می شود که **۷۹/۹** درصد خانواده ها ماهانه مبلغی کم تر از ۱۰۰ هزار تومان درآمد داشته و ۳۰/۷ درصد خانوارها کم‌تر از ۵۰ هزار تومان درآمد ماهانه دارند (جدول۶) .

هم چنین متوسط درآمد خانوارها در هر ماه مبلغ ۷۲ هزار تومان است که ۵۷/۵ درصد خانوارها کم تر از این رقم به دست می آورند .

به نظر می‌رسد میان میزان درآمد ماهانه‌ی خانوارها و تعداد افراد و تعداد شاغلان آن ها ارتباط وجود دارد . برای سنجش هم‌بستگی بین دو متغیّر مستقل، تعداد افراد و تعداد شاغلان خانوار ومتغیّر وابسته درآمد از آزمون پیرسون استفاده شد . نتایج آزمون نشان می دهد که میان این متغیّرها رابطه‌ی مستقیم در سطح ۰/۰۱ وجود دارد . به این مفهوم که با ضریب اطمینان ۹۹ درصد ، با افزایش تعداد افراد خانوار و یا تعداد شاغلین خانوار ، بر میزان درآمد خانوار افزوده می‌شود.

جدول٦ : توزیع میزان درآمد ماهانه خانوارهای زنان سرپرست خانوار

مبلغ (هزار تومان)	تعداد	درصد
کمتر از ۲۰	۳	۱/۷
۲۰ – ۳۹	۳۴	۱۹
۴۰ – ۵۹	۲۶	۱۴/۵
۶۰ – ۷۹	۴۸	۲۶/۸
۸۰ – ۹۹	۳۲	۱۷/۹
۱۰۰ – ۱۱۹	۱۷	۹/۵
۱۲۰ – ۱۳۹	۳	۱/۷
۱۴۰ – ۱۵۹	۶	۳/۴
۱۶۰ – ۱۷۹	۵	۲/۸
۱۸۰ – ۱۹۹	۲	۱/۱
بیش از ۲۰۰	۳	۱/۷
جمع	۱۷۹	۱۰۰

منبع : نگارنده ، مطالعات میدانی ،۱۳۸۵

هزینه‌های خانوار

براساس اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه ، در سال ۱۳۸۵ بـه طـور متوسـط ۴۸/۶ درصـد از هزینه های خانوار ، صرف تأمین مواد خوراکی شده است و ۵۱/۴ درصد دیگر به سایر هزینه ها مربوط است.

در میان هزینه های غیر خوراکی ، مسکن بالاترین سهم را دارد و به طور متوسط ۵۰/۸ درصد از هزینه‌های غیر خوراکی خانوار نمونه برای تأمین مسکن صرف شده است . بدیهی است در خانوارهایی که بابت تأمین مسکن، اجاره پرداخت می‌شود ، هزینه‌ی مسکن یکی از اقلام مهم در فهرست هزینه‌های خانوار است. هزینه‌های پوشاک و کفش با ۱۴/۵ درصد و هزینه درمان و بهداشت با ۱۰ درصد ، پس از هزینه‌ی مسکن ، مهم ترین هزینه‌های غیر خوراکی خانوارها می باشد (جدول ۷) .

در کل هزینه های خانوار نیز، هزینه های مسکن ، پوشاک و کفش و بهداشت و درمان پس از هزینه‌های خوراکی قرار دارند .

بالا بودن سهم هزینه های خوراکی در خانوارهای زنان سرپرست خانوار نمونه ، مشابه نتایج مطالعاتی است که در سطح کشور انجام شده و نشان می دهد که سهم هزینه های خوراکی در خانوارهای تحت سرپرستی زنان در نقاط روستایی به حدود ۵۰ درصد می رسد. (امین رشتی ، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

جدول ۷ : متوسط هزینه های غیر خوراکی خانوارهای زنان سرپرست خانوار

گروه های عمده	درصد	درصد تجمعی
پوشاک و کفش	۱۲	۱۲
بهداشت و درمان	۱۰	۲۲
مسکن	۵۱/۷	۷۳/۷
حمل ونقل	۵/۵	۷۹/۲
آموزش	۲/۵	۸۱/۷
لوازم منزل	۷/۳	۸۹
تفریحات	۳	۹۲
سایر	۸	۱۰۰
جمع	۱۰۰	

منبع : نگارنده ، مطالعات میدانی ، ۱۳۸۵

نتیجه گیری

در کشورها، زنان سرپرست خانوار با مشکلات گوناگونی روبرو هستند . بی سوادی و کم سوادی ، فرصت های شغلی اندک و تبعیضات فرهنگی واجتماعی در زندگی این گروه از زنان تأثیر زیادی دارد ، که منجربه بروز افسردگی ، اضطراب وسایر اختلالات روان‌شناختی در آن ها می شود (خسروی ، ۱۳۸۲ : ۶۲ —۶۸).

زنانی که توانایی اداره اقتصادی خود وخانواده را ندارند، دچارنوعی انزوای اجتماعی شده و در معرض آسیب های اجتماعی قرار می گیرند (محمدی ،۱۳۸۵ : ۱۴۲) در نواحی روستایی کشورمان زنان سرپرست خانوار از محرومیّت بیش تری برخوردارند . یافته‌های این تحقیق، که پیرامون شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار در شماری از آبادی های حاشیه شهر مشهد است ، موارد زیر را نشان می دهد :

۱. بیشتر زنان شاغل از طریق مشاغل کارگری کسب درآمد می کنند . این گونه فعالیّت ها معمولاً ثبات کاری نداشته و از درآمد اندکی برخوداراند .

۲. درمیان زنان، تعداد کمی کشاورز و دامداراند این گروه از زنان که نقش مهمی در مراحل مختلف فعالیّت های تولیدی دارند ، فاقد حق مالکیت بر منابع تولیداند.

۳. زنان سرپرست خانوار با استفاده از درآمد حاصل از کارخود ، کار فرزندان ، منابع حمایتی و ترکیبی از آن ها هزینه زندگی را تأمین می کنند . فعالیّت های درآمدزای زنان، نقشی مهم در تأمین هزینه‌های خانواده دارد .

۴. تعداد شاغلان درخانواده های زن سرپرست خانوار کم است . دربخش عمده ای از خانوارها فقط یک نفر شاغل وجود دارد ، در حالی که بیشتر آن ها خانوارهای سه نفره وبیش ترانند. تعداد کم شاغلان همراه با فعالیّت در مشاغل بی‌ثبات ، فصلی و کم درآمد منجر به پایین بودن درآمد خانوارها شده است . به گونه ای که در هشتاد درصد از خانوار های نمونه، درآمد ماهانه کم تر از صد هزار تومان است .

۵. درمیان هزینه های غیرخوراکی ، مسکن بخش مهمی از درآمد خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد. بالا بودن هزینه‌ی مسکن در میان خانوارهای اجاره نشین ، در ایجاد این وضعیّت تأثیرگذار بوده است .

پیشنهادها:

افزایش روز افزون تعداد زنان سرپرست خانوار ومشکلات حاکم بر زندگی آنان، سبب شده حمایت از زنان سرپرست خانوار به عنوان یک مسألهی اجتماعی – اقتصادی و سیاسی توسط جامعهی جهانی پذیرفته شود و در تمام کشورها راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی آنان به کار گرفته شود. با توجه به مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار ، کاهش مشکلات، حل و ارتقای وضعیّت اقتصادی زنان، نیازمند برنامه های دراز مدت است ، اما برای حل تدریجی این دشواری ها موارد زیر پیشنهاد می شوند :

● توجه بیش از پیش به موضوع زنان سرپرست خانوار هم در بخش سیاست گذاری و برنامه ریزی و هم در بخش اجرایی : در این زمینه، ضروری است مفادّی از قوانین مختلف کشور که به حمایت از زنان سرپرست خانوار اختصاص یافته ، به مرحلهی اجرا درآید و هم چنین در تهیه وتصویب قوانین جدید به گونهای عمل شود که اجرای آنها منافاتی با حمایتهای قانونی از زنان سرپرست خانوار نداشته باشد.

● ارائهی خدمات حمایتی به زنان سرپرست خانوار ناتوان : شماری از زنان سرپرست خانوار بیش از ۶۰ سال سن دارند ، تعدادی از این افراد افزون بر کهولت سن بیمار نیز هستند . این گروه از زنان قدرت و توانایی انجام فعالیتهای درآمدزا را ندارند، بنابراین لازم است خدمات حمایتی برای آنان برقرار شده و یا تداوم یابد . در راستای اجرای عدالت اجتماعی ارائهی خدمات حمایتی به این گروه از زنان سرپرست خانوار میتواند در زمینههای مختلف باشد که مهمترین آنها پرداخت مستمری و بیمه درمانی است. بدیهی است که میزان مستمری باید با توجه به نرخ تورم تعیین شود .

● ایجاد زمینهی مناسب برای اشتغال زنان در مشاغل باثبات وبا درآمد کافی . حرفه آموزی ، خوداشتغالی و توانمند سازی اقتصادی زنان با استفاده از تسهیلات بانکی و مشارکت مراکزدولتی و سازمانهای مردم نهاد میتواند در فراهم نمودن شرایط لازم جهت اشتغال پایدار زنان سرپرست خانوار مؤثّر باشد.

منابع و مآخذ

۱. امین رشتی، نارسیس (۱۳۷۹)، "*زنان و نقش آنان در مدیریت مصرف*"، مجموعه مقالات همایش زنان و صرفه جویی، تهران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ص ۱۲۳ - ۱۴۶.

۲. جهاد (۱۳۷۳)، *ترویج کشاورزی و زنان کشاورز در دهه‌ی ۱۹۸۰*، قسمت دوم، ترجمه‌ی شیرین آبادیخواه، سال چهاردهم، شماره ۱۷۰، ص ۵۱ -۵۵.

۳. خسروی، زهره (۱۳۸۰)، "*بررسی آسیب های روانی-اجتماعی زنان سرپرست خانوار*"، فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهرا، شماره ۳۹، تهران: ۷۱-۹۲.

۴. شایان، حمید، (۱۳۸۲)، *به هنگام سازی طرح سطح بندی خدمات روستایی استان خراسان*، شهرستان مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان.

۵. شادی طلب، ژاله، گرایی نژاد، علیرضا(۱۳۸۳)، *فقر زنان سرپرست خانوار*، پژوهش زنان، ۲(۱) شماره ۸، تهران: ۴۹-۷۰.

۶. شادی طلب، ژاله- وهابی، معصومه- ورمزیار، حسن (۱۳۸۴)، *فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار*، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، تهران: ص۲۲۷-۲۴۸.

۷. محمدی، زهرا (۱۳۸۳)، *بررسی آسیب های اجتماعی زنان در دهه‌ی ۸۰- ۱۳۷۰*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی -اجتماعی زنان.

۸. مرکز آمار ایران (۱۳۴۷)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، آبان ۱۳۴۵، کل کشور، تهران، سازمان برنامه.

۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی*، تهران.

۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*، www.sci.org.ir.

11. Buvinic. Mayra, (1995), *Investing in Women*, Washington DC, International Center for Research on Women.

12 . Fuwa, Nobuhiko, (2000), *The Poverty and Heterogeneity Among female –headed Households Revisited: The case of Panama,* World Development, 28:8, 1515-1542.

13. Chant, Sylvia, (1996), *Women's Roles in Recession and Economic in Mexico and Philippines*, Geoforum, 27:3, 297-327.

14. Chant ,Sylvia, 2003),*Female Household Headship and the Feminization of Poverty : Facts , Fiction and Forward Strategies* , London , School of Economics , Gender Institute , New Working, Paper Series Issue 9.
15. Gafar, John,(1998) *, Growth* , Inequality and Poverty in Selected Caribbean *and Latin American Countries , with Emphasis on Guyana* , Journal of Latin Antin American Studies , 30 :3 , 591-617.
16. Gonzalez de ka Rocha , /Mercedes and Grinspun ,Alejandro , (2001) *,private Adjustments :Households , crisis and Work ,in Alejandro Grinspun (ed) , Choices for the Poor : Lessons from National Poverty Strategies,* New York: NDP , 55-87.
17. Horrell,Sara and Pramila Krishnan , (2006) , *Poverty and Productivity in Female – Headed Households in Zimbabwe ,* Faculty of Economic , University of Cambridge , CB3 9DD.
18. Takane , Tsutomu,(2007), *Diversities and Disparities among Female – Headed Households in Rural Malawi* , Institute of Developing Economies , Ids Discussion , Paper ,No.124 .

مشخصات نویسندگان:

دکتر جعفر جوان، دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر مجید یاسوری، دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه گیلان

دکتر محمد رحیم رهنما،عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر گروه پژوهشی برنامه ریزی شهری ـ منطقه ای جهاد دانشگاهی مشهد

Rahnama@Ferdowsi.um.ac.ir

نسرین احمدیان شالچی، دانشجوی دوره دکتری برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد